

### مقدمه

«شعر شیعه، از نخستین روزگاران، شعر عقیده بوده است و جهاد و موضع؛ حتی شاعرانی را که در زمان حیات خود پیامبر اکرم (ص) شعری درباره علی (ع) سروده‌اند همه آن شعرها حاکی است از عقیده راستین و حماسه دیگر.

این گونه شاعران همواره درفش افزان حقایق اعتقادی و عدالت اجتماعی و مبارزات انسانی بوده‌اند. کسانی مانند کمیت بن زید اسدی، دُغبل خُزاعی، سید جُمیری، عُبَیدی کُوفی، و دیگر شاعران بزرگ تشیع». \* پیامداران شیعه در نشر سخن حق و برگرفتن پرده از نقاب نفاق و تلون هرگز نیاسوده‌اند. در دو عصر امویان و عباسیان که غاصبان سیاست‌باز با دستکاری سفلگان آدمکش بر آن بودند تا بر چهره کر به خود نقاب تقدس تعبیه کنند، به جرأت باید گفت که سهم این نام‌آوران در افشاگری و هم‌در پاسداری در رهبری ائمه (ع) بیش از دیگران بوده است.

ما بر آن شدیم تا در بعضی از شماره‌ها بخش‌هایی از این چکامه‌های بلند مکتب را همراه با شمه‌ای از آن چکامه سرایان در معرض دید شما قرار دهیم:

\* متن — نشر به دانشجویی دانشکده

بیات دانشگاه تهران — شماره دوم.

شرح زندگانی شاعر: کمیت بن زید اسدی، شهید به سال ۱۲۶ هجری، از شاعران قرن نخستین و دهه‌های آغاز قرن دوم هجری است که به روزگار امویان و در سال شهادت امام حسین (ع) — ۶۱ هجری دیده به جهان گشود. به جانب‌داری از شیعه زبانزد و در دفاع از مکتب اسلام همواره در تلاش بود.<sup>۱</sup> کمیت دارای صفاتی بود که کمتر در کسی گرد آمده است. او خطیب بنی اسد، فقیه شیعه، و حافظ قرآن کریم بود، دارای دلی محکم و خطی زیبا بود، تیراندازی بود که در بنی اسد همسان نداشت، سواری دلاور و پُر سخاوت بود، و در سخنرانی و خطابه فصیح بود و توانی کامل داشت.<sup>۲</sup>

ارتباط او با امام سجاد (ع)، امام باقر (ع)، امام صادق (ع)، و همکاری مداوم او با انقلابیون چون زید بن علی و فرزندش در سه جنبه عقیدتی — سیاسی — نظامی، زندگی اش را از حوصله یک حیات معمولی خارج کرده بود.<sup>۳</sup>

امام صادق (ع) و امام باقر (ع) درباره او دعا کردند. امام اینگونه در حق او دعا کردند: «خدایا

کمیت نسبت به خاندان پیامبر نیک انجام وظیفه کرد، آنگاه که اغلب از این کار بخل ورزیدند و تن زدند، آنچه از حق را که دیگران پوشیده داشتند او آشکار کرد. خدایا به او زندگی سعادت مند بخش و شهیدش بمیران و جزای نیکش ده که ما از پاداش او ناتوانیم.»<sup>۴</sup>

**اوضاع سیاسی زمان شاعر:** در زمان کمیت اختناق و بدآموزی بنی امیه علیه خاندان پیامبر و چپاول اموال عمومی به وسیله حکومت اموی به اوج خود رسیده بود. طبیعی بود که در چنین فشار و خفقانی نطفه های پنهان مبارزه هم بسته شود، و نیروهای مبارز به اشکال مختلف با نظام طاغوت به ستیز برخیزند. انقلابهای پیاپی علوی از سال ۴۱ هجری<sup>۵</sup> بعد، چه در شکل سیاسی و چه در شکل فرهنگی و یا نظامی، نتیجه طبیعی و مولود منطقی چنین عملکردی بود. کمیت در رابطه با انقلابهای علوی بود و هم در ارتباط با رهبری انقلاب و امامت امت؛ پس باید باتکیه بر سوابق ادبی و نفوذ کلامی، به عنوان سخنگوی انقلاب، آرمان و اهداف انقلاب را در سطحی گسترده در میان امت منعکس کند تا بتواند بین هسته مرکزی رهبری (امام) و پایگاه انقلاب، یعنی ناس، بر رغم فشارهای پلیسی اموی پل بسازد. شرایط زمانی و مناسبات جغرافیایی عربستان ایجاب می کرد تا بهترین وسیله موثر در انجام این مهم به کار گرفته شود. با توجه به نقش شعر در عرب و پیوند سنتی آن با بافت حیاتی مردم، ضرورتاً می بایست به عنوان تنها وسیله مطلوب ارتباط جمعی به کار گرفته شود. این بود که کمیت شعر را برگزیده بود و این خود آغاز دوره ای بود که ادب سیاسی یا متعهد با کمیت پس از مدتی کوتاه پا به عرصه حیات می نهاد.

**آثار شاعر:** بنی امیه شعر را از تعهد به ابتدال برده و صحنه های نقش آفرینی اجتماعی را از آن باز ستانده بودند. سیاست مطلوب آنها شعر را در حد موضوعات تفننی و تغزل بی محتوا— که نه پیامی داشت و نه رسالتی— سخت مهار کرده بود. اینجاست که نقطه شروعی در ادب پیدا می شود و مسائلی بی سابقه از پیش، در مجموعه ای بنام «هاشمیات»<sup>۵</sup> با کمیت پا به عرصه زندگی می گذارد. «هاشمیات» کمیت یا بهتر بگوییم اشعار سیاسی— اجتماعی او، که انعکاس وسیعی در جو غالب و مسموم دوران سانسور و اختناق امویان به وجود آورد، هفت چکامه است در موضوعات زیر:

- بررسی انقلابهای اصیل اسلامی
  - معرفی پیامبر و خاندان علی از نو
  - ارزیابی و یادآوری از انقلابیون شیعی چون زید بن علی و حسین بن زید
  - طرح حکومت عدل اسلامی در زبان شعر
  - برشمردن فجایع بنی امیه و اثبات بی لیاقتی آنها در رهبری مسلمانان
  - افشاگری همه جانبه و معرفی اسلام راستین.
  - و آنچه پیش از هر چیز در هاشمیات به چشم می خورد: تکیه بر توزیع عادلانه ثروت بر اساس اسلام و مساوات کامل اسلامی است.
- در ارجمندی این اثر همان بس که باید گفت کسی چون «ابن سبکیت»، ادیب نامدار شیعه، در



راه حفظ آن از سانسور بنی امیه به شهادت رسید.

اینک ما چند بیت از قصیده «بائیه» هاشمیات را همراه ترجمه آن در معرض قضاوت شما خوانندگان محترم قرار می دهیم:

۱- ظَرَبْتُ وَمَا شَوْقًا إِلَى الْبَيْضِ أَظْرَبْتُ  
وَلَا لِعِبَائِنِي وَذُو الشَّيْبِ يَلْعَبُ

جانم از شادی و شورآکنده است، اما نه از وصل سیمین بدنان، و نه از سربازیچه، که سالخوردگان را با بازیچه کاری نیست.

۲- وَلَمْ يُلْهِنِي ذَاؤُ وَلَا رَسْمُ مَنْزِلٍ  
وَلَمْ يَنْتَظِرْ بَنِي بَنَانٍ مُخَضَّبُ

همچنین مرا آثار دیار و یاردل مشغول نساخته است، و نه انگشتان حنا بسته دخترکان زیبا.

۳- وَلَا السَّيْحَاتُ الْبَارِحَاتُ عَشِيَّةَ  
أُمِّ سَلِيمِ الْقَرْنِ أَمْ مَرَّ أَعْصَبُ

حوادث گران شبهای حادثه خیز نیز مرا مشغول نمی دارد، هر گونه که آن حوادث پیش آید و بگذرد.

۴- وَلَكِنْ إِلَى أَهْلِ الْفَضَائِلِ وَالْثَهْمِي  
وَخَيْرِ بَنِي حَوَاءَ وَالْخَيْرِ يُظَلَّبُ

پس من شیفته چه ام، شیفته خاندان فضیلت و تقوا، شیفته بهترین فرزندان آدم و حوا.

۵- إِلَى النَّفَرِ الْبَيْضِ الَّذِينَ يُحِبُّهُمْ  
إِلَى اللَّهِ فِيمَا نَأْتِي أَنْقَرَبُ

آن گروه فرشته گون پاک که همواره محبت آنان در هر چیز، وسیله قرب به درگاه خدا قرار می دهد.

۶- بَنِي هَاشِمٍ رَهْطُ النَّبِيِّ فَإِنِّي  
بِهِمْ وَلَهُمْ أَرْضِي مِرَارًا وَأَعْصَبُ

بنی هاشم، خاندان پیامبر، همانان که من ایشان را به پیشوایی برگزیده ام، و پیوسته در دفاع از مقام والای آنان درگیر و خشمگین می شوم.

۷- فَمَالِي إِلَّا آلَ أَحْمَدَ شَيْعَةَ  
وَمَالِي إِلَّا مَشْعَبَ الْحَقِّ مِشْعَبُ

من فقط و فقط پیرو آل محمد، و تنها و تنها راهسپر راه روشن حقم.

۸- وَقَالُوا ثُرَابِيَّ هَوَاهُ وَرَأَيْتَهُ  
بذَلِكَ أَدْعَى فِيهِمْ وَالْقَبْ

مخالفان مرا «ابوترابی» لقب داده‌اند، یعنی که عاشق و پیرو ابوترابم علی، و می‌پندارند که این برای من سرزنش است.

۹- أَلَمْ تَرَنِي مِنْ حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ  
أَرْوْحُ وَأَغْذُو خَائِفًا أَرْقُبُ

آری من این چنینم، منم که از عشق آل محمد، و شیفتگی به حکومت حقّه و عادل آنان، شب و روز با جباران درگیرم و در حال جنگ و گریز.

۱۰- وَإِنْ هِيَ لَمْ تَصْلُحْ لِقَوْمٍ سِوَاهُمْ  
فَإِنَّ ذَوِي الْقُرْبَىٰ أَحَقُّ وَأَوْجِبُ

حکومت اسلامی و جانشینی محمد، جز در نزد آل محمد که شایستگانند نمی‌تواند باشد. زیرا که آن کس که به پیامبر نزدیک است و دست پرورده او، باید راه او را ادامه دهد نه دیگری. ■

### منابع

- (۱) ادبیات انقلاب در شیعه، صادق آینه‌وند (دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۹) ج ۱، ص ۵۹.
- (۲) جهش‌ها، محمدرضا حکیمی (دفتر نشر فرهنگ اسلامی)، ص ۲۱.
- (۳) ادبیات انقلاب در شیعه، ص ۶۲.
- (۴) ادبیات انقلاب در شیعه، ص ۶۴.
- (۵) جهش‌ها، ص ۲۱۱.
- (۶) ادبیات انقلاب در شیعه، ص ۶۴-۶۵.
- (۷) شرح الهاشمیات، کمیت بن زید اسدی، تحقیق محمد محمود الراجعی (مصر، شركة التمدن الصناعية). ص ۳۶-۴۶.

\* ترجمه محمدرضا حکیمی.